

عزل روسی



علی مژوعی خبرنگار گروه سیاست

محمدحسین صفارهرندی، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام سه‌شنبه در گفت‌وگو با صداوسیما گفت که اسرائیل حمله به ایران را ساعاتی پیش از وقوع از طریق یک کانال دیپلماتیک به روسیه اطلاع داده است. او گفت که «در روسیه و از زبان برخی مقامات آن کشور، دویا سه روز پیش از آغاز عملیات نظامی اسرائیل تماسی از محافل اسرائیلی با برخی سطوح دیپلماسی روسیه برقرار شده بود و طی آن به آن‌ها گفته بودند کارهایی را که با ایران داشتید متوقف کنید، چون ایران ظرف یکی دو روز آینده کارش تمام است.» این خبر علاوه بر اینکه دلیل دیگری بر درک ناقص اسرائیل از میزان قدرت ایران محسوب می‌شود، درکنار دیگر اخبار این روزهای روسیه پیاپی مهم در مورد موضع همسایه شمالی در جنگ تحمیلی به ایران را در خود گنجانده است؛ پیاپی که برخی سعی دارند آن را نشنیده بگیرند و روایت معکوسی را علیه روابط دو کشور بازنشر دهند.

آیا بوگدانوف همان رابط اسرائیل است؟

خبری که صفارهرندی آن را بیان کرده در کنار این خبر که یک معاون وزیر خارجه روسیه به فاصله دوهفته بعد از آتش‌س غیررسمی بین ایران و اسرائیل عزل شده است، این سؤال را به وجود می‌آورد که آیا آن کانال دیپلماتیک، همین فرد یعنی بوگدانوف، نماینده ویژه پوتین در امور خاور میانه است یا خیر؟ ۱۸ تیرماه ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه میخائیل بوگدانوف، معاون وزیر امور خارجه را از سمت خویش برکنار کرد. همچنین پوتین با امضای حکم دیگری، وی را از وظایف خود به‌عنوان نماینده ویژه رئیس‌جمهور روسیه در امور منطقه خاور میانه و کشورهای آفریقایی نیز برکنار کرد. اگرچه بوگدانوف سعی در طبیعی جلوه‌دادن احکام برکناری خود داشته و گفته است: «دیگر وقتش رسیده بود و من به سن بازنشستگی رسیده‌ام.» اما اگر فرد مورد اشاره صفارهرندی همان بوگدانوف باشد، آن‌وقت می‌توان متصور بود نزدیکی او به اسرائیل و تکیه‌اش به گزاره‌های القایی تل‌آویو عامل مؤثرتری برای عزلش باشد تا ادعای بازنشستگی، آن‌هم در کوران برحاده‌ترین مقطع زمانی غرب آسیا. پوتین که در سال گذشته شاهد کنارگذاشتن بشار اسد، متحد خود از قدرت در سوریه بوده و دیگر متحدش نیز توسط اسرائیل مورد حمله قرار گرفته، برای اینکه قافیه را در غرب آسیا به طور کامل به آمریکا نیازد باید در مقابل اسرائیل محتاطانه قدم بردارد. کنارگذاشتن بوگدانوف که اصالتی یهودی دارد و به اسرائیل نزدیک است از این جنبه اهمیت دارد که باعث می‌شود از اثرگذاری مطلق اسرائیل بر مثنی سیاسی و امنیتی روسیه در مورد آینده برتش احتمالی غرب آسیا جلوگیری شود.

مهم‌ترین دستاویز حمله به روسیه چه بود؟

در شرایطی که برخی به دنبال این هستند تا روسیه را به‌عنوان یک شریک ناکارآمد در مباحث امنیتی علیه ایران جلوه دهند و این‌گونه تجویز کنند که

ماجرای برکناری یک مقام مهم وزارت خارجه روسیه توسط پوتین چه بود؟



پیام انتقالی اسرائیل چه پاسخی از پوتین گرفت؟

رئیس‌جمهور روسیه در این نشست که در روزهای پرالتهاپ جنگ ایران برگزار می‌شد، متذکر شد که «متخصصان روس در نیروگاه هسته‌ای بوشهر در ایران فعالیت دارند، ۲۵۰ نفرند و می‌توانند به ۶۰۰ نفر هم برسند. ما جایی نیاز بازگشت به مذاکره، نشان می‌دهد روسیه‌علی‌رغم حضور بوگدانوف اسرائیلی پیام می‌دهد که در نیروگاه‌های هسته‌ای ایران نیروهای روسی نیز حضور دارند. چنین اطلاعی باعث می‌شدد یک دلیل دیگر هم برای اینکه اسرائیل از حمله به نیروگاه‌های هسته‌ای ایران اجتناب کند به وجود بیاید. اما پیام مهم‌تری که از این اظهارنظر برداشتست می‌شد این بود که روسیه به پیاپی که از کانال بوگدانوف مبنی بر نابودی ایران رسال شده بود اعتنایی نداشته و حتی در جهت عکس آن نیز اقدام کرده است.

همه مناسبات امنیتی درمواضع رسانه‌ای تشریح نمی‌شوند

علاوه بر جملات حمایتی صریح رئیس‌جمهور روسیه آنچه باید به آن توجه داشت این است که مواضع اعلامی لزوماً بیانگر همه آنچه وجود دارد نیست و مناسبات سیاسی ایجاب می‌کند بخش زیادی از تعاملات فی‌مابین کشورها در حوزه مباحث اقتصادی و امنیتی به‌ویژه در مورد دو کشور تحت تحریم علنی نشود. برای همین رئیس‌جمهور روسیه در این مصاحبه صرفاً به‌طورکلی اشاره کرد که «روسیه و ایران اعتماد متقابل در سطح بالایی دارند؛ ما به دوستان ایرانی خود سیگنال‌های خاصی داده‌ایم.» در مورد چرایی عدم مواجهه علنی شدیدتر روسیه با اسرائیل علاوه بر گزاره حضور تعداد زیادی از روس‌تباران در سرزمین‌های اشغالی که پوتین مورد اشاره قرار داد باید به این

نکته نیز توجه داشته باشیم که حضور نماینده‌ای یهودی‌تبار در مورد مسائل منطقه می‌توانست به پررنگ‌کردن گزاره‌های حمایتی از اسرائیل کمک کند اما با کنارگذاشتن بوگدانوف اثرات القایی بیش از اندازه نیز کم‌رنگ‌تر شده‌اند و این امر باعث می‌شود فضا از واقعیات میدانی دور نشود.

روسیه متذکر شده بود که اسرائیل روی دیوارمحکمی راه نمی‌رود

محاسبه غلط طرف اسرائیلی که مدعی نابودی چندروزه ایران بود و این انگاره غلط را نیز به کانال روسی منتقل کرده، اثری کاملاً معکوس را در پی آورد. توانمندی واکنشی ایران و همبستگی ملی عوامل شکست این طراحی بود و اتفاقاً محدودیت‌های نظامی اسرائیل و متحدانش را آشکار کرد. رئیس‌جمهور روسیه در ایام جنگ به وجود این همبستگی در بین ایرانیان اشاره کرده بود تا این پیام را غیر مستقیم داده باشد که تل‌آویو روی دیوار محکمی راه نمی‌رود. شکست طراحی براندازی ایران، روسیه را مطمئن‌تر کرده در تعامل با ایران رویاپردازی‌های سست طرف غربی را مبنا قرار ندهد و توجه خود را معطوف به واقعیاتی کند که مملو از مؤلفه‌های قدرت سخت و نرم ایران هستند. برکناری معاون وزیر خارجه روسیه را نیز در همین چهارچوب می‌توان تحلیل کرد. ایران اکنون باید از درک به وجود آمده برای رونق هرچه بیشتر دستاوردها در تعاملات فی‌مابینی استفاده کند. توصیه‌های غیرواقع‌بینانه‌ای که مناسبات بین‌الملل را از دریچه احساسی تحلیل کرده و هرگونه کنش طرف مقابل را با چک‌لیستی مطلق‌انگارانه ارزیابی می‌کنند، بدون توجه به لزوم تأمین منافع حداکثری قهر دیپلماتیک را توصیه می‌کنند. چنین تجویزی باعث می‌شود اِیـِـران نتواند از درک به وجود آمده طرف مقابل برای تأمین حداکثری منافع سیاسی، اقتصادی و امنیتی بهره ببرد.

ادراک به وجود آمده نباید خراب شود

حفظ و توسعه منافع باعث می‌شود دلایل بیشتری برای پایبندی طرف مقابل به ادراک به وجود آمده از واقعیت‌های میدانی روی میز قرار بگیرد. این پایبندی در ادامه قطعاً در توسعه مناسبات امنیتی و دفاعی نیز بدون اثر نخواهد بود، همان‌طور که در تعاملات سیاسی این اثر کاملاً مشهود است. در یکی از مهم‌ترین مواضع سیاسی اخیر هم‌راستا با منافع ایران، روسیه چهارشنبه اعلام کرد که «نگران تهدید حملات جدید به تأسیسات هسته‌ای ایران است.» ماریا زاخارووا، سخنگوی وزارت امور خارجه روسیه به خبرنگاران گفت: «تهدیدهای منظم علیه ایران مبنی بر انجام حملات موشکی و بمباران جدید تأسیسات هسته‌ای آن، بی‌شک نگرانی جدی ایجاد می‌کند. بدبینی به چنین اظهاراتی با این واقعیت که تحت پوشش نگرانی خیالی برای عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای مطرح می‌شوند، تشدید می‌شود.» این اظهارات پاسخی به تهدیدهای صریح ترامپ مبنی بر حمله مجدد به تأسیسات هسته‌ای ایران محسوب می‌شود و می‌تواند هم از جهت ایجاد هماهنگی اطلاعاتی با ایران و هم از جهت فشار سیاسی برای مهار جنگ‌طلبی طرف مقابل کارایی داشته باشد.

هم‌زمان با شواف دولت لبنان در پروژهٔ خلع سلاح، مقاومت لبنان آمادگی خود را هم در بعد نظامی و هم در بعد سیاسی – اجتماعی حداکثری کرده است

حزب الله؛ چراغ خاموش، موتورروشن

در هفته‌های اخیر دولت لبنان تحت‌فشارهای بین‌المللی به‌ویژه از سوی آمریکا تصمیم‌ماتی را در راستای انحصار سلاح در دست دولت و محدود کردن حزب‌الله اتخاذ کرده است. این تصمیم که در جلسه کابینه لبنان مورخ ۱۶ مرداد ۱۴۰۴ در کاخ بعیدا به تصویب رسید، به‌عنوان بخشی از اجرای طرح پیشنهادی آمریکا که توسط توماس باراک، فرستاده ویژه این کشور ارائه‌شده محسوب می‌شود. این طرح جدول زمانی مشخصی را برای خلع سلاح حزب‌الله تا ۳۱ دسامبر ۲۰۲۵ تعیین کرده و شامل مراحل عملیاتی برای برچیدن زیرساخت‌های نظامی حزب‌الله، ازجمله موشک‌ها، پهپادها و تونل‌هاست، اما حزب‌الله لبنان به دلایل متعدد، ازجمله تهدیدهای مستمر رژیم صهیونیستی، ناتوانی ارتش و دولت لبنان، حمایت گسترده مردمی و تجربه‌های تاریخی، سلاح خود را مطابق با طرح پیشنهادی آمریکا تحویل نخواهد داد. این طرح که با فشارهای سیاسی، اقتصادی و نظامی همراه است، نه‌تنها با مقاومت حزب‌الله و جنبش اصل روبرو شده، بلکه به دلیل نبود اجماع ملی و نگرانی‌های گسترده از تکرار سناریوی سوریه در میان دیگر طوایف لبنانی نیز با تردید مواجه شده است. در شرایطی که رژیم صهیونیستی به نقض توافقات ادامه می‌دهد و آمریکا تضمینی برای توقف این تجاوزها ارائه نمی‌دهد، خلع سلاح حزب‌الله به معنای تضعیف توان دفاعی لبنان و قرار گرفتن این کشور در معرض تهدیدهای خارجی است، بنابراین حزب‌الله همان‌طور که تاکنون آرام‌آرام قدرت خود را در بعد نیروی انسانی و توانایی لجستیکی بازآرایی کرده در ادامه باتکیه‌بر مشروعیت ملی و منطقه‌ای خود سلاحش را به‌عنوان ستون اصلی مقاومت در برابر اشغالگری حفظ خواهد کرد تا به هرگونه ماجرایی نتانیا‌هو برای تکرار سناریوی دمشق در پی‌روست پاسخ قاطع بدهد.

این اولین توطئه نیست

حزب‌الله از دل توافق طائف (۱۹۸۹) که به جنگ‌های داخلی لبنان پایان داد، به‌عنوان یک نیروی مقاومت مشروع ظهور کرد. این توافق ضمن تأکید بر انحصار سلاح در دست دولت، استثنائاتی را برای گروه‌های مقاومت در برابر اشغالگری خارجی قائل شد که حزب‌الله از آن بهره‌مند شد. این موقعیت در طول دهه‌های گذشته تقویت و حزب‌الله به یکی از ستون‌های اصلی قدرت دفاعی لبنان تبدیل شده است. اگر سلاح حزب‌الله نبود لبنان به دلیل ضعف‌های ساختاری در ارتش و نهاد‌های دولتی احتمالاً سرنوشتی مشابه سوریه کنونی پیدا می‌کرد. حزب‌الله در طول چهار دهه گذشته بارها توانسته در برابر فشارهای داخلی و خارجی مقاومت و حتی موقعیت خود را تقویت کند، به‌عنوان مثال در جریان جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت سازمان ملل که با هدف خلع سلاح حزب‌الله صادر شد، نه‌تنها به تضعیف این جنبش منجر نشد، بلکه به توسعه قدرت نظامی آن انجامید. رژیم صهیونیستی پس از این جنگ، حزب‌الله را «بزرگ‌ترین قدرت موشکی غیردولتی دنیا» توصیف کرد. این قطعنامه رژیم صهیونیستی را در دو راهی قرار داد یا باید به مفاد آن پایبند می‌ماند و از هرگونه تجاوز به



لبنان خودداری می‌کرد یا با نقض آن، به حزب‌الله بهانه‌ای برای تقویت تسلیحات خود می‌داد. انتخاب مسیر دوم از سوی اسرائیل، به تقویت بیشتر حزب‌الله منجر شد. در تحولات اخیر، به‌ویژه پس از آتش‌بس آذر ۱۴۰۳، حزب‌الله با وجود از دست دادن دبیرکل و تعدادی از فرماندهان ارشد خود، توان نظامی و اراده عملیاتی خود را مجدداً بازآرایی کرده است. این آتش‌بس که به دنبال سه‌ماه درگیری شدید میان حزب‌الله و رژیم صهیونیستی برقرار شد، بارها از سوی اسرائیل نقض شده است. این نقض‌ها شامل حملات هوایی، زمینی و دریایی به خاک لبنان بوده که نمونه بارز آن حمله به منطقه بقاع در ۲۵ تیر ۱۴۰۴ بود که منجر به شهادت ۱۲ نفر شد. این اقدامات نشان‌دهنده عدم پایبندی رژیم صهیونیستی به تعهدات بین‌المللی و ناتوانی آمریکا به‌عنوان ضامن آتش‌بس در کنترل متحد خود است. شیخ نعیم قاسم این موضوع را این‌گونه مورد تأکید قرار داده است: «اگر سلاحمان را تحویل دهیم، تجاوز متوقف نخواهد شد.»

خلع سلاح نه قطعیت دارد و نه قاطعیت

دولت لبنان در جلسه پنجشنبه به ریاست نواف سلام، نخست‌وزیر تصمیم گرفت ارتش این کشور طرحی اجرایی برای انحصار سلاح تا پایان سال جاری تدوین کند. این تصمیم در راستای فشارهای آمریکا و رژیم صهیونیستی اتخاذ شد؛ اما با واکنش‌های متفاوتی در داخل لبنان مواجه شد. برخی وزرای کابینه به‌ویژه وزرای وابسته به جنبش اصل و حزب‌الله جلسه را ترک و تأکید کردند هرگونه بحث درباره خلع سلاح باید تا زمان خروج نظامیان رژیم صهیونیستی از خاک لبنان، توقف حملات این رژیم و آغاز بازسازی به تعویق بیفتد. نبیه بری، رئیس پارلمان لبنان بر اجرای کامل آتش‌بس و عقب‌نشینی رژیم صهیونیستی از پنج نقطه اشغالی تأکید و آن را شرط انحصار سلاح

متوقف نخواهد شد. «حزب‌الله تاکنون با اشاره به نقض مکرر آتش‌بس این موضوع را گوشزد کرده اساساً اسرائیل به توافقی با دولت لبنان پایبند نمانده که اکنون دولت براساس آن بخواهد خلع سلاح را از حزب‌الله مطالبه کند. این یعنی دولت لبنان نه بر اساس مطالبات حقوقی، بلکه صرفاً تحت‌فشار سیاسی آمریکا به توافقی که منافع اسرائیل را تأمین می‌کند تن داده است. علاوه بر رژیم صهیونیستی، تهدید گروه‌های تکفیری نگرانی‌های جدی را در لبنان ایجاد کرده است. با توجه به تجربه سویدا در سوریه خطر بالقوه گروه‌های افراطی در کمین لبنان نیز نشسته تا پس از تحمیل خلع سلاح به حزب‌الله از جانب اسرائیل عملیات تکفیری را کلید بزنند. حزب‌الله به‌عنوان تنها نیروی مؤثر در برابر این تهدیدها نقش حیاتی در حفظ ثبات داخلی لبنان ایفا می‌کند. ارتش لبنان توانایی لازم برای دفاع از کشور در برابر تجاوزهای رژیم صهیونیستی را ندارد. این ضعف ساختاری حزب‌الله را به‌عنوان مکمل ضروری ارتش در حفظ امنیت ملی لبنان مطرح می‌کند. در شرایطی که ارتش قادر به مقابله با تهدیدهای خارجی نیست خلع سلاح حزب‌الله به معنای بی‌دفاع شدن لبنان در برابر اسرائیل و گروه‌های تکفیری است. حزب‌الله از پایگاه گسترده‌ای در میان جامعه لبنان، به‌ویژه شیعیان برخوردار است. این حمایت نه‌تنها به دلیل نقش حزب‌الله در دفاع از لبنان، بلکه به دلیل خدمات اجتماعی و سیاسی آن در مناطق شیعه‌نشین است. تضعیف حزب‌الله به معنای تضعیف جامعه‌شیعی و در نتیجه کل لبنان است. این دیدگاه در میان دیگر طوایف نیز به دلیل نگرانی از تکرار سناریوی سوریه تقویت شده است. اظهارات توماس باراک، نماینده آمریکا که «ما اینجا نیستیم تا اسرائیل را مجبور به انجام کاری کنیم.» نشان‌دهنده عدم تعهد آمریکا به اجرای تعهدات متقابل، مانند عقب‌نشینی اسرائیل است. این امر اعتماد لبنانی‌ها به طرح‌های آمریکایی را کاهش داده و موضع حزب‌الله را تقویت کرده است.

چه خواهد شد؟

حزب‌الله و جنبش اصل به‌عنوان نمایندگان اصلی جامعه شیعی هرگونه اقدام یک‌جانبه دولت را «امتیازدادن رایگان به دشمن» توصیف کرده‌اند. این موضع با حمایت گسترده مردمی به‌ویژه در مناطق شیعه‌نشین، تقویت شده، همچنین نگرانی‌های مسیحیان و دیگر طوایف از تکرار سناریوی سویدا، اجماع ملی علیه خلع سلاح را تقویت کرده است. با توجه به بن‌بست سیاسی کنونی و موضع قاطع حزب‌الله بعید است که طرح خلع سلاح اجرا شود. حزب‌الله باتکیه‌بر حمایت مردمی انسجام جامعه شیعی و تجربه‌های تاریخی همچنان سلاح خود را به‌عنوان ستون دفاعی لبنان حفظ خواهد کرد. اظهارات شیخ نعیم قاسم مبنی بر اینکه «ما با هیچ توافق جدیدی موافقت نمی‌کنیم، ابتدا باید توافقی‌های گذشته اجرا شوند» بیانگر استراتژی حزب‌الله برای مقاومت در برابر فشارهای خارجی است. در کوتاه‌مدت انتظار می‌رود فشارهای آمریکا و رژیم صهیونیستی افزایش یابد؛ اما بدون اجماع داخلی و تضمین‌های ملموس برای توقف تجاوزهای اسرائیل این فشارها نتیجه‌ای نخواهد داشت. در بلندمدت حزب‌الله با تداوم طرح تقویت توان نظامی و سیاسی خود به‌عنوان یک نیروی کلیدی در حفظ ثبات لبنان باقی خواهد ماند.

فرهنگ‌یگان

فرهنگ‌یگان

شنبه ۱۸ مرداد ۱۴۰۴

شماره ۴۴۷۹

فآر‌هیک‌ته‌گاندیلی

فآر‌هیک‌ته‌گان‌آنلاین

شنبه ۱۸ مرداد ۱۴۰۴

شماره ۴۴۷۹

فآر‌هیک‌ته‌گاندیلی

فآر‌هیک‌ته‌گان‌آنلاین

شنبه ۱۸ مرداد ۱۴۰۴

شماره ۴۴۷۹

فآر‌هیک‌ته‌گاندیلی

فآر‌هیک‌ته‌گان‌آنلاین

شنبه ۱۸ مرداد ۱۴۰۴

شماره ۴۴۷۹

فآر‌هیک‌ته‌گاندیلی

فآر‌هیک‌ته‌گان‌آنلاین